

به آخر رسیده‌اید

یکی از اسرار پیروزی امام خمینی که رحمت خدا بر او، این بود که به مردم خود آنچنان مطمئن بود که به گفته سپهبد شهید سلیمانی، خود را فدایی آنها می‌دانست و به همین اندازه نسبت به دشمنان بدبین و بی‌اعتماد بود. آن حکیم متألّه که اندیشه را با آیات خدا ممزوج کرده بود، معنی فرمان خدا در «خُذُوا حِذْرَكُمْ» را به خوبی فهمیده بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد هادی صحرایی در یادداشتی نوشت: «نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.»

این سخن امام راحل است که ترجمه‌ای آزاد از برخی آیات و روایاتی است که به ما متذکر شده، دشمن شناسی یکی از اولیات حیات بشری است. آنها که «صلح کل» هستند خودشان نمی‌دانند که در بهترین حالت، زندگی‌شان را در حد نباتات پایین آورده‌اند و این جمله هرگز به معنای جنگ طلبی و خشونت نیست، چرا که مدیریت کردن دشمنان، همیشه و تنها وسیله‌اش جنگیدن نیست. دائم باید آماده، مراقب و بی‌اعتماد به دشمن بود و پی‌درپی قوی شد. چراکه همیشه ولیجه و عشق و وعده‌های پنهانی با تهدید و تطمیع، عامل نفوذ بوده و حمله و نابودی نتیجه آن. پس؛ باید برای قهر و غضب هم آماده بود. واقع بینی ایجاب می‌کند دنیایی که محل و مملو از تراحم است را واقعی ببینیم. نمی‌شود هم دوست ظالم بود و هم رفیق مظلوم. یا هم ثبات رأی و شخصیت داشته باشد و هم منافقانه رفتار کند. این دروغ‌گویی، ابدی نمی‌ماند.

یکی از اسرار پیروزی امام خمینی که رحمت خدا بر او، این بود که به مردم خود آنچنان مطمئن بود که به گفته سپهبد شهید سلیمانی، خود را فدایی آنها می‌دانست و به همین اندازه نسبت به دشمنان بدبین و بی‌اعتماد بود. آن حکیم متألّه که اندیشه را با آیات خدا ممزوج کرده بود، معنی فرمان خدا در «خُذُوا حِذْرَكُمْ» را به خوبی فهمیده بود. این آمادگی همیشگی، هم در نظامی و امنیتی است و هم در اقتصاد و فرهنگ و اجتماع و همه اینها جزء پدافند غیرعامل است و فعلاً اسمی از جنگ و مرافعه نیست. اگر دولت‌های پیشین ما به این اندیشه خدایی، اهتمام داشتند، وضعیت ما از نظر مطلوبیت، بسیار بیشتر و پیش‌تر از امروزان بود. ما پیشرفت کرده و در حال حرکت به سمت قله‌ایم ولی اگر نبودند مسئولانی که گاه‌بگاه ترمز این قطار را با امثال برجام کشیدند و کشور را متوقف کردند ما اکنون پرچم را به قله کوبیده بودیم. قوطی خالی و حسرت‌باری که دستاوردش برای دشمن، همه چیز و برای ما تقریباً هیچ بود.

اعتماد بی‌جا به دشمن، نامش اگر خیانت نباشد، ساده لوحی است نه تدبیر و تنش زدایی. مگر می‌شود بین دو موجودی که موجودیت هم را نقیض اند، اتفاق ایجاد کرد؟ دشمن، به معنی کسی است که نفعش در ضرر ما و نفع ما در ضرر اوست. چگونه می‌توان بدون کوتاه آمدن یکی از این دو، بین آنها رفاقت ایجاد کرد؟ طبق این تعریف علمی، شعار «بُرد بُرد» اگر فریب افکار عمومی و توجیه خیانت نباشد، بی‌شک نشان حماقت، ساده‌لوحی یا مفتون‌شدگی است. مگر عاقلی هست که برای دشمنش آرزوی پیروزی بکند؟ و مگر آرزوی پیروزی برای دشمن، به معنی آرزوی شکست، برای خود نیست؟ این غصه مثل تجدید چاپ کتاب قراردادهای خسارت بار ترکمانچای و آخال و گلستان و امثال اینها بود که مثل قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر، توسط لیبرال‌های نفوذی به ایران تحمیل شد.

و اگر لیبرال‌های نفوذی نبودند که به قول شفاهی دشمنی که حتی به عهدنامه‌های کتبی خود هم متعهد نیست، اعتماد کنند اکنون دولت اسلامی و جامعه اسلامی شکل گرفته بود و در آستانه پیروزی نهایی بودیم. چه می‌شود کرد که یکی از آزمایش‌ها و ابتلائات سخت و کلافه‌کننده مردم ما تحمل این عناصر کارخواب‌کن و ترمیم خرابکاری‌های آنهاست که مشکل مضاعف بودند. این مرور خاطرات، به معنی نقب تجربه تلخ گذشته نیست، بلکه برای خاطرنشان کردن سرنخ‌هایی است که توانست دشمنان به کنج افتاده را جسور کند و به میدان بیاورد. بی‌اهمیتی به اقتصاد مقاومتی و زیرساخت‌های حیاتی و به خطر انداختن امنیت کشور با به‌کارگیری افراد نااهل و نفوذی، از دیگر خیانت‌هایی است که روزگار امروز ما را پرزحمت کرده و به دشمنان در کمین نشسته بهانه شیطنت داده است.

اگر زیرکی و هوشیاری نهادهای انقلابی و امنیتی نبود معلوم نبود که با گله‌گله جاسوس و نفوذی و نادرست، چه عاقبتی برای کشورمان رقم می‌خورد. نمونه اخیر و جالب توجه، خیانت همین جاسوس خبیث بریتانیایی است که تخلیه و نعل وارونه به او و انگلیس، تا عمق و استخوان دشمنان را سوزاند. دهان کف‌کرده از خشم دشمنان، قسم خورده ما از آمریکا گرفته تا برخی کشورهای اروپایی گویای شاهکار اطلاعاتی ایران است که توانسته این کرم چاق را از عمق درخت تنومند انقلاب بیرون بکشد و سرویس‌های جاسوسی دشمن را با به بازی گرفتن، به خشم آورد. دیوانگی دشمنان با رودستی که از ما خورده‌اند طبیعی است. یادش به خیر، شهید بهشتی مظلوم که فرمود «آمریکا از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر». موتوا بغیظکم.

طبیعی است کشورهای ثروتمند پرمدعایی که در تنگنای رسوایی تأمین غذا و انرژی برای مردم خود و نیز در باتلاق جنگ روسیه و اوکراین و نیز سعودی و یمن درمانده‌اند و کرونا آنها را به مرز بی‌عرضه‌ترین‌ها نزدیک کرده و قمیژه‌های آنها را بی‌اثر کرده، اینچنین بی‌عقلی کنند. طبیعی است دیوانه شدن کسانی که میلیون‌ها دلار هزینه کردند تا در ایران آتش افروزی و اغتشاش کنند و امروزه تظاهرات ده‌ها هزار نفری را در پایتخت‌های خود می‌بینند و همان به آتش کشیدن‌ها را در خیابان‌های خود و آرامش و امنیت را در خیابان‌های ما مشاهده می‌کنند. طبیعی است دیوانه شدن دنیاپرستانی که دنیای خود را در حال دود شدن، و خداپرستان را در آرامش مشاهده می‌کنند. طبیعی است کسانی که ماسک و ضدعفونی را هم می‌زدیدند و مدعی باغ اروپا بودند و اکنون در رسانه‌ها می‌خوانند که خبر زیاد شدن دزدی گوشت و جیره‌بندی تخم‌مرغ و یخ زدن مردمان‌شان در خانه، در جهان منتشر

شده است؛ دیوانه شوند.

همه اینها طبیعی است و اینها که گفته می‌شود برای دیوانه‌تر کردن آنهاست. ما قوی شدیم و شما روزه‌روز ضعیف‌تر می‌شوید. اگر یک سال از تحریم‌های ۴۳ ساله مردم ایران را بین کشورهای اروپایی توزیع می‌کردند، طبق تصویری که ویل دورانت و تاریخ‌نویسان دیگر در مورد پیشینه شما نوشته‌اند، اکنون اروپاییان باید در کوچه‌ها کمین می‌کردند تا در خیابان‌ها همدیگر را شکار کنند و بخورند. ما سربلندیم و شما سرافکنده تاریخ هستید. به کدام گذشته‌تان افتخار می‌کنید؟ به دزدی دریایی که پیشه پدری‌تان است یا به طلا و الماسی که از آفریقا و نفت و گازی که از آسیا دزدیده‌اید؟ به مرواریدهایی که به سرقت برده‌اید یا به تمدن‌های آرتک و اینکا و مایاهایی که منقرض کردید؟ به کشتن بی‌گناهان یا جنگ‌افروزی در کشورهای دیگر و یا ناکام کردن انسان‌ها؟ رمان بینوایان و کلبه عمو تم از کدام آپارتاید و تاریخ تاریک، گلایه می‌کند و به کدام بستر تعلق دارد؟ مثنوی و شاهنامه از کدام بوستان و گلستان برخاسته است؟

با ما محاجه کنید تا جهان، بیش از پیش ما را بشناسد و از شما متنفر شود. شما کم آورده‌اید و ما منعمانه سفره تمدن می‌گسترانیم. مگر تحریمی مانده که علیه ملت بزرگ ما اعمال نکرده باشید؟ خرد و کلان ما را تحریم کرده و دیده‌اید که بی‌فایده است، چرا از این راه غلط بر نمی‌گردید و به توصیه امام ما «عاقل نمی‌شوید؟» ما با تحریم‌های شما، زودتر از آنچه گمان می‌کردیم به خودکفایی رسیدیم. اگر تحریم‌تان اثر داشت، اکنون سپاه ما آقای آسمان نبود و سنتکام را پر و دُم نمی‌چید. اگر تحریم شما اثر داشت، ارتش ما پس از دوهزار و پانصد سال، به دریای مدیترانه و اقیانوس‌های جهان باز نمی‌گشت و اسرائیلی که هوای نیل تا فرات داشت، خانه‌های خود را در میان بلوک‌های هفت‌متری زندانی نمی‌کرد و به جای پروتکل‌های صهیونی، برای وعده ۲۵ ساله ما، چانه نمی‌زد. اگر تحریم شما اثر داشت، در آشوب و اغتشاشی که اخیراً در کشور ما به راه انداختید، شکست نمی‌خوردید. ژنرال سلیمانی ما به دستور فرمانده‌اش، سپاه جهانی مقاومت را تشکیل داد و خاورمیانه جدید و رؤیاهای ۷ تریلیون دلاری شما را به باد داد. اگر تحریم اثر داشت، چرا باز هم تحریم می‌کنید؟

واقعیت این است که شما شکست خوردید و می‌خواهید با فحش و دلک‌بازی و تمسخر و تحریم، خود را مسلط نشان دهید ولی این‌گونه نیست. شما در حال مرگ هستید و تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مشکلی از شما حل نمی‌کند و تنها بی‌معرفتی شما را نمایان‌تر می‌کند. اگر سپاه نبود، داعشی که زابیدید، اروپا را ولایت‌الاندلس کرده و خاطرات خونبار انقلاب و جمهوری‌های فرانسه را زنده می‌کرد و زنان‌تان را به کنیزی و آمریکا را به نکاح جهادی خود درآورده بود و با آهن برج ایفل، قاشق برای انتحاری‌هایش ساخته بود. سپاه با امکانات شما، سپاه نشد که بی‌آنها، از حرکت بماند. سپاه، جریانی است که از دل جوانان به ستوه آمده از شرارت شما تنوره می‌کشد و ما با همان جوانانی که فریفتید و خیابان‌هایمان را به آشوب کشیدید، به مقابله شما می‌آییم و آن قدر قوی می‌شویم که هرگز دیده نشوید. بعون الله و فضله.

منبع: کیهان

۱- صحیفه امام ج ۲۱، ص ۳۲۹

۲- آماده باشید (اسلحه خود را بگیرید)